



## اتفاق شوم برای مردم شهدی در یک جشن عروسی

یکی از بستگان نزدیک مان دخترش را عروس کرده بود و من و همسر من نیز به این مجلس عروسی دعوت بودیم. آن روز سوار بر خودروی شاسی بلند خارجی به شهرستان رفتیم تا در شادی آن ها شریک باشیم. در اوج رقص و پایکوبی و شاهمانی مهمانان برخی دوستان و نزدیکان را می دیدم که یکی یکی وارد اتاق کوچکی می ششوند که در پشت ساختمان قرار داشت من هم از سر کنجکاو ای قلم به آن جا گذاشتم و باصحنه تریاک کشی رو رو شد ممتد پیکنیک و اجاق گاز تک شعله در وسط اتاق روشن بود و تعداد زیادی از مهمانان هر کدام به شیوه ای مشغول مصرف مواد مخدر بودند.

در این هنگام یکی از آشنایان با حالتی تمسخرآمیز خطاب به دیگران گفت: حسن اهل این برنامه هانسته. او فقط برای حال گیری آمده است. این سخن خیلی برایم سنگین بود چرا که احساس کردم آن ها مرا از خودشان نمینداند و منسخرو ام می کنند. این بود که در جمع آنها نشستیم و شروع به مصرف مواد مخدر کردم تا به دیگران ثابت کنم که من آن ها را دوست دارم و خودم را تافته

خوبی آمورخته بودم به همین دلیل هم در دوران سربازی در بخش پشتیبانی و مهندسی مشغول خدمت شدم. بعد از پایان خدمت همین شغل را با راه اندازی یک کارگاه بزرگ ادامه دادم طولی نکشید که اوضاع اقتصادی ام رونق گرفت و با درآمد خوبی که داشتم خودرو و خانه و کارگاه خریدم و سپس با دختری زیبا و مهربان از دواج کردم.

کارگران سیگاری کارگاه را نصیحت می کردم آرزوین بسیار خوبی بود در تمام سختی ها مشکلات مرا همراهی می کرد. روزی کار خوش من در حالی سپری می شد که من از انواع دخانیات مانند سیگار و قلیان دوری می کردم به گونه ای که حتی اگر یکی از کارگران کارگاه سیگار می کشید او را نصیحت می کردم تا استعمال سیگار را ترک کند اگر هم به مصرف ادامه می داد به ناچار از کارگاه اخراجش می کردم تا دیگران را آلوده نکند. بالاخره خوشی های زندگی من با به دنیا آمدن دو قلوهایم تکمیل شد. حالا دیگر چیزی در زندگی کم نداشتم و مدام خدا را به خاطر این همه نعمت شکر می کردم تا این که آن روز لعنتی فرا رسید.

**گروه حوادث -** با آن که همواره از انواع دخانیات و مسود مخدر فراری بودم اما با اولین مصرف در یک مجلس عروسی همه زندگی ام نابود شد به طوری که دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتم. در این زمان بود که به خود آمدم و...

مرد ۴۵ ساله با بیان این که قصد دارم به دیگر معتمدان برای رهایی از چنگال مسود افیونی کمک کنم درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آیکوه مشهد گفت: از همان دوران نوجوانی چنان اراده ای را در خودم حس می کردم که بسیاری از کارهای سخت و باور نکردنی را انجام می دادم به طوری که مدام از سوی خانواده و اطرافیانم تشویق می شدم.

پدرم می گفت: حسن با این اراده اش کوه را هم جا به جا می کند. تعریف و تمجیدهای دیگران حسن غرور انگیزی به من داد و سعی می کردم در هر کاری به دیگران کمک کنم. خلاصه بعد از آن که دیپلم گرفتم عازم خدمت سربازی شدم. چون در تعطیلات تابستانی در یک ترائشکاری کار می کردم تقریباً این حرفه را به

صورت غیبی از من طلاق گرفت و به همراه دو قلو هایم به دنبال سر نوشت خودش رفت در حالی که همچنان در منجلاب اعتیاد دست و پا می زدم یک روز به خودم آمدم و به یاد حرف پدرم افتادم که «اراده حسن کوه را جا به جا می کند»

اراده کردم و اعتیاد را ترک کردم در یک لحظه تصمیم قاطعی گرفتم؛ دستم را روی

### زنم طلاق گرفت

بعد از این ماجرا به چنان فلاکتی افتادم که آرزو هم به

## آزارگر دختر تهرانی از زندان تهدید می کرد



**گروه حوادث -** مجرم سابقه دار که پس از آشنایی در پارتنر شبانه، دختر جوان را به تله شیطان انداخته و با تهدید عکس و فیلم های سبیه از او سوء استفاده میکرد پای میز محاکمه ایستاد.

رسیدگی به این پرونده با شکایت دختر جوانی به نام شیرین آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی رفته بود گفت: پدرم چند سال پیش وقتی که من نوجوان بودم فوت کرد و من با مادرم به تنهایی زندگی میکنم. مدتی قبل در یک جشن تولد شبانه با پسر جوانی به نام پیام آشنا شدم. او به من ابراز علاقه کرد و گفت قصد از دواج دارد. رابطه دوستانه ما با هم آغاز شد و او مرا به ویلایی در شمال دعوت کرد. اما پس از مدتی متوجه شدم پیام به مواد مخدر، معتاد است و مدام به من دروغ می گوید. به همین خاطر به او تصمیم دارم رابطه دوستانه ام را با او تمام کنم. اما او گفت از من فیلم سبیه تهیه کرده و اگر به خواسته هایش تن ندهم فیلم و عکس ها را پخش می کند و آبروی مرا می برد. او با تهدید عکس و فیلم ها از من سوء استفاده می کرد و مجبور می گرد تا به خواسته هایش تن دهم.

وی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه شیرین گفت: در مدت زمانی که پیام بازن داشت شده و در زندان است مدام از زندان با من تماس می گیرد و مرا تهدید می کند. من از او میترسم و به همین خاطر اعلام گذشت کرده ام. او با کارهایش زندگی مرا نابود کرد و من دیگر نمی خواهم پیگیر پرونده باشم.

سپس پیام به دفاع پرداخت و گفت: شیرین با میل خودش به ویلای شمال آمد و با من رابطه برقرار کرد. من به زور او را آزار نداده ام. در پایان جلسه قضات وارد شدند و تا با توجه به فیلم و عکس های سبیه و مدرک های موجود در پرونده برای پیام حکم صادر کنند.

قاضی رسیدگی کننده به این پرونده گفت: اگر چه دختر جوان اعلام رضایت کرده اما این رضایت مانع رسیدگی به جرم سبیه نیست و به زودی برای پسر جوان مجازات سنگینی تعیین خواهد شد.

### تهدید به اسید پاشی و قتل

وی ادامه داد: پس از مدتی فهمیدم پیام یک مجرم سابقه دار است. وقتی این موضوع را به او گفتم اعتراف کرد قبلاً چند بار به زندان رفته و چند سابقه کیفری دارد. او گفت اگر رابطه ام را با او تمام کنم به رویم اسیدی می پاشد و مرا می کشد. او هر بار یا تهدید یا از من اخاذی می کرد و مرا به مخفیگاه شیطانیش می کشاند و مرا آزار می داد. وضعیت روحی ام به هم ریخته بود که تصمیم گرفتم از او شکایت کنم. به دنبال اظهارات دختر جوان پیام ۳۳ ساله ردیابی و بازداشت شد. اما ادعا کرد با میل شیرین با او رابطه برقرار کرده است. محاکمه شیطان



## گانگستر بازی مسلحانه دو جوان جان

### پاکبان بی گناه را گرفت

کردم به طوری که به آن ها اصابت نکند. چرا که قصدم فقط ترساندن آن ها بود ولی «علی - ک» از ترس فرار کرد و در حال فرار لوله اسلحه کلت را به سمت عقب گرفته بود و به طرف ما شلیک می کرد که در این میان پاکبان وسط درگیری قرار گرفت و با اصابت گلوله هایی که شلیک می شد به زمین افتاد. ما هم با دیدن این صحنه ترسیدیم و از محل جریختیم اما خیلی زود خودم را به پلیس معرفی کردم چرا که من پاکبان را نمی شناختم و او بی گناه قربانی درگیری بین ما شده بود.

«علی - ک» منم اصلی پرونده نیز پس از توصیه های مقام قضایی درباره بیان حقیقت ماجرا، مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و در حالی که سلاح کلت کمبری را در دست داشت به تشریح حادثه دلخراش هشتم اردیبهشت گذشته پرداخت و گفت: آن روز صبح وقتی از خانه بیرون آمدم، «هادی - ص» را سوار بر پژو پارس دیدم که مسلح بودند و به سوی من شلیک کردند. من هم که ترسیده بودم قصد داشتم از میان گلوله ها فرار کنم اما در همین حال هم لوله سلاح کلت را در خلاف جهت حرکت گرفته بودم و مدام شلیک می کردم تا بتوانم جای امنی پیدا کنم که نگاه دیدم پاکبان محله روی زمین افتاده است. من قصد کشتن او را نداشتم فقط بی هدف به پشت سر شلیک می کردم تا بتوانم از جنگ شلیک های طرف مقابل بگریزم.

این گزارش حاکی است، با پایان اعترافات متهمان در صحنه جنایت، قاضی دکت صفری دستور انتقال آن ها به زندان را صادر کرد تا این پرونده جنایتی مراحل دیگر دادرسی را طی کند.

### سابقه خبر

ساعت ۸:۳۰ صبح روز هشتم اردیبهشت نگاهان صدای شلیک گلوله در خیابان شهید کشمیری ۶۲، سکوت صبحگاهی را شکست و درگیری میان افرادی که با یکدیگر اختلاف ملکی داشتند آغاز شد. پاکبان ۵۵ ساله مشهودی نیز که پس از ۱۷ سال خدمت در شهرداری از یک ماه قبل در

**گروه حوادث -** عاملان یک نزاع مسلحانه هولناک که با شلیک گلوله به سمت یکدیگر، مرگ دلخراش پاکبان بی گناهی را رقم زده بودند، با دستور قاضی ویژه قتل عمد مشهد، به محل وقوع جنایت هدایت شدند تا صحنه قتل را مقابل دوربین قوه قضاییه بازسازی کنند. به همین دلیل دو طرف خیابان کشمیری ۶۲ در شهر ک مهرگان با نوار «ورود به صحنه جرم ممنوع» بسته شد و محیط مذکور به فرقی نیروهای نظامی درآمد.

طولی نکشید که دو متهم اصلی پرونده در حالی از خودروهای پلیس خارج شدند که دو سلاح کلت و کلاشینکف (خالی از گلوله) در اختیار آن ها قرار گرفت. هنگامی که مقامات بازسازی صحنه جنایت از سوی کارآگاهان اداره جنایتی فراهم شد، متهمان با اشاره قاضی دکتر صادق صفری مقابل دوربین قوه قضاییه ایستادند تا به صورت عملی و عینی صحنه جنایت را به تصویر بکشند.

### بازسازی صحنه جنایت در حضور قاضی صفری

پس از تعیین اتهام ارتکاب قتل عمدی از سوی قاضی شعبه ۲۰۸ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد و تأکید بر این که متهمان موظب اظهارات خود باشند و حقیقت ماجرا را بیان کنند، البته «هادی - ص» (یکی از متهمان) در حضور مقام قضایی گفت: اختلاف ما بر سر یک ملک بود که از مدتی قبل با هم درگیری داشتیم. روز قبل از حادثه نیز با «علی - ک» که به نواح پراختیم به طوری که کار به کتک کاری کشید اما منزل خانواده «علی - ک» طوری بود که ما باید از مقابل منزل آن ها در خیابان کشمیری عبور می کردیم اما اتفاقی هم که روز قبل افتاده بود من یقین داشتم که «علی - ک» انتظار ما را می کشد تا انتقام روز قبل را بگیرد به همین دلیل اسلحه کلاشینکف را برداشتم تا اگر درگیری رخ داد آن ها را بترسانم.

وقتی سوار بر خودروی پژو پارس به مقابل منزل آن ها رسیدیم همین اتفاق هم افتاد و از خانه بیرون آمد و با داد و فریاد یک تیر هوایی شلیک کرد. من هم بلافاصله اسلحه را مسلح و یک گلوله به سمت دیوار شلیک

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

**مفقودی**

اصل سند خودروی سواری بنز E200  
رنگ خاکستری متالیک به شماره  
پلاک ۱۷۱۹۹/۲۲ کیش شماره  
موتور ۲۷۴۹۲۰۳۰۳۹۹۴۹۵ شماره  
شاسی WDD2120341B170382  
به نام مجید زمانی مفقود گردیده واز  
درجه اعتبار ساقط میباشد.

**تعمیرات**

**سرد آساکیش**  
تعمیرات کلیه سیستم های برودتی  
۰۹۱۷۳۶۴۶۸۶۴  
۰۹۳۴۷۶۹۷۸۴۴  
۰۹۳۳۷۲۱۶۸۶۴  
اینستاگرام: sard.asa.kish

**خدمات برق**  
انجام کلیه امور برق ساختمان و  
پروژه های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

**خدمات تاسیسات آب و لوله کشی**  
جزئی و کلی مجتمع های اداری  
مسکونی - خدماتی - تجاری  
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

**استخدام**

یک نفر حسابدار، با حداقل ۳ سال سابقه، آشنا به نرم افزار سپیدارو آشنا به حقوق و دستمزد، برای یک شرکت تامین نیروی انسانی ارسال رزومه به شماره ۰۹۳۴۷۶۹۸۱۷۳ تماس ۴۴۴۲۳۳۵۲

**نیروی خدماتی (خانم، آقا) باسواد**  
جهت کار در یک شرکت نیازمندیم.  
متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای  
مرورید بلوک B۳ طبقه سوم واحد  
۷۱۵ مراجعه کنند.  
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

**حمل کالا**

**صنایع چوب**

شرکت چوب سازان آداک صنعت  
کیش ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود..... شو روم: بازار پادنا  
۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

**صنایع چوب حلاج کیش**  
کلیه سفارشات MDF، چوبی  
دکوراسیون غرفه و منزل  
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

**حمل و جابجایی کالا**  
با ۶ چرخ در سطح جزیره  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

**استخدام منشی دفتر**  
آشنا به کامپیوتر و امور اداری جهت کار  
در یک شرکت استخدام می شود.  
آدرس مراجعه: ویلاهای اداری مرورید  
جنب بازارچه حافظ پلاک ۷۱۵  
روزنامه اقتصاد کیش

**نیازمندیهای اقتصاد کیش**  
۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

۴۴۴۲۴۹۶۹  
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش

روزنامه